یادداشت

بدنگوییم به مهتاب اگر تب داریم

علیرضا مقدسی | متخصص چشم، فلوشیپ قرنیه

یک- کنکور سال ۹۵ برگزار شد، از ۸۶۰هزار نفر شرکت‌کننده حدود ۵۲۰هزار نفر رشته تجربی و ۱۶۲هزار نفر ریاضی و ۱۶۱هزار نفر رشته انسانی هستند. به عبارتی حدود ۶۰درصد داوطلبان، رشته تجربی و ۱۸درصد رشته ریاضی و ۱۸درصد، رشته انسانی را انتخاب کرده‌اند. اگر جامعه خانواده‌های داوطلبین را به‌عنوان جامعه آماری نمونه از کل جمعیت ایران بگیریم و با تکیه به این حقیقت که سودای داوطلبان تجربی، رشته‌های کاردانی و کارشناسی نیست بلکه رشته‌های گروه پزشکی است، می‌توان نتیجه گرفت خانواده‌های ایرانی علاقه ۳برابری به رشته پزشکی درمقایسه با رشته‌های مهندسی یا انسانی دارند. به عبارت بهتر ۶۰درصد جامعه ایرانی درست یا غلط، شغل ایده‌آل برای فرزندشان را پزشکی می‌دانند.

دو- چندی است که به صورت بی‌سابقه‌ای هجمه به پزشکان زیاد شده است. برخی سایت‌ها کوچک‌ترین مشکلات درمانی را بزرگنمایی کرده و به‌حساب پزشکان می‌نویسند. ذیل اینگونه اخبار هم‌نظرات اکثریت کاربران خشمگینی را می‌بینید که هیچ یک از عزیزانشان به مرگ طبیعی نمرده و به دست پزشکان سفاک و بی‌وجدان! ایرانی کشته‌شده‌اند.

سه- در مجلس یادبود آقای کیارستمی، داریوش مهرجویی، عنان سخن از دست می‌دهد و می‌گوید: «قاتلین میان ما هستند، ما باید از این فرصت استفاده کنیم و این پزشکان بی‌عرضه احمق که یک همچین گوهر گرامی را نابود کردند، کشتند، اینارو باید به محاکمه بکشیم. این یک بی‌گناه بود، دوهفته پیش صحیح و سالم، سرومرو گنده بود.»

چهار- بیاییم فرض کنیم که آقای کیارستمی به دلیل عارضه جراحی فوت نشده‌اند و بلکه بدتر، به‌دلیل قصور پزشکی فوت شدند. باز هم بیاییم فرض کنیم در یک سانحه رانندگی به علت سبقت غیرمجاز یا گردش به چپ یکی از بازیگران کشور باعث مرگ یکی از معروف‌ترین جراحان یا پزشکان ایرانی می‌شد و یکی از بزرگان جامعه پزشکی در مراسم گرامیداشت میکروفن را دست بگیرد و بگوید: «قاتلین میان ما هستند، ما باید از این فرصت استفاده کنیم و این بازیگران بی‌عرضه احمق را...» آیا برای آقای مهرجویی که درشرایط احساسی آن حرف‌ها را زده یا دیگرانی چون نوید محمدزاده، محسن تنابنده و... درشرایط عقلانی‌تری این حرف‌ها را در صفحه شخصی‌شان باز نشر کرده‌اند، این توهین جمعی قابل قبول است؟ آیا اینجا دوباره ما پزشکان یک‌باره از سفاکان بی‌وجدان تبدیل نمی‌شویم، به همان‌ها که سوگند خورده‌ایم که باید خوددار باشیم، آیا نمی‌نویسند آقای دکتر شما پزشک هستید، از شما بعید بود؟

آخر- من جامعه‌شناس نیستم اما ای کاش جامعه‌شناسان ایرانی تحقیق کنند که دلیل این ولع جامعه ما برای توهین و فحاشی چیست؟ چرا اگر مراسم قرعه‌کشی جام‌جهانی کامل پخش نمی‌شود، به صفحه خانم لیما حمله می‌کنیم و فحاشی می‌کنیم؟ چرا وقتی مسی به تیم ملی فوتبال گل می‌زند، به صفحه‌اش حمله می‌کنیم و باز هم فحش می‌دهیم؟

کار وقتی خنده‌دارتر می‌شود که یک بازیکن فرانسوی در بازی فوتبال باعث مصدومیت بازیکن پرتغال می‌شود که اصولا باید به پرتغالی‌ها مربوط باشد ما جان بر کف و کف بر لب وی را به سه‌هزار فحش رکیک میهمان می‌کنیم؟

چرا بر طبق آمار بالا، ۶۰درصد جامعه ما، درست یا غلط، آرزو دارند پزشک شوند ولی همزمان در شبکه‌های اجتماعی به پزشکان توهین می‌کنیم، آنها را قاتل و احمق خطاب می‌کنیم، از خاطرات مرگ مادربزرگ ۷۵ساله‌مان می‌گوییم که چیزیش نبوده و تا اون سن حتی یک‌بار هم پایش به مطب دکتر کشیده نشده و «این پزشکان بی‌عرضه احمق» آمپول اشتباهی زدند و او را کشتند! این تناقض را چگونه حل کنیم که پزشکان را مسبب بدبختی و فلاکت جامعه ایرانی بدانیم ولی فرزندمان را بفرستیم رشته تجربی که پزشک شود؟

قطعا درمیان این ۵۲۰هزار نفر، همه وارد دانشکده پزشکی نمی‌شوند و شاید کمتر از هزارنفر بتوانند به آنچه به سودای آن به رشته تجربی آمده‌اند، نائل شوند. آن ۵۱۹هزار نفر دیگر چه کنند؟ آیا باید تبدیل به اکثریتی شوند که از پزشکان متنفرند با وجود اینکه آرزو داشتند پزشک شوند؟

آیا باید تنفرشان را حفظ کنند تا وقتی تغاری بشکند و به قول آقای مهرجویی «از این فرصت» استفاده کنند؟ آیا نباید بزرگ‌منشی، پذیرش جایگاه و احساس مفید بودن در آن جایگاه را بیاموزیم؟ آیا نباید به جای ناسزاگویی و رفتارهای هیجانی، این انرژی را در چرخه تلاش برای اهدافمان صرف کنیم؟ کجای فرهنگ‌مان می‌لنگد وقتی نمی‌توانیم خودمان را درست کنیم، می‌خواهیم بقیه را ویران کنیم؟ وقتی نمی‌توانیم تماشای مراسم قرعه‌کشی جام‌جهانی را مطالبه کنیم، با رکیک‌ترین الفاظ مجری‌اش را دشنام می‌دهیم که چرا لباس مناسب فرهنگ ما نپوشیده است! وقتی زورمان نمی‌رسد آرژانتین را ببریم و به هوش و نبوغ مسی می‌بازیم، به جای آنکه به خودمان بپردازیم، مسی را فحش‌باران می‌کنیم

محیط زیست

خشکسالی ۱۱ روستای اطراف دریاچه نمک قم را خالی از سکنه کرده است

ریزگردهای «حوض‌سلطان» در راه تهران

چهار حوزه ریزگرد به مساحت ۴۰هزار هکتار در دریاچه نمک در حال رشد است

عکس: ایرنا

شهروند| بحران دریاچه نمک در قم یا همان دریاچه‌ای که قدیمی‌ها به آن «حوض سلطان» می‌گفتند، روز به روز در حال جدی‌تر شدن است. چندسالی از زمانی که مسئولان سازمان محیط‌زیست و کارشناسان این حوزه درباره وضع دریاچه نمک قم هشدار دادند و گفتند روزی می‌آید که این دریاچه وضع بدتری از دریاچه ارومیه پیدا می‌کند، می‌گذرد؛ حالا اینطور که پیداست در روزهایی که وضع دریاچه ارومیه تثبیت شده و زندگی دارد کم‌کم به آن برمی‌گردد، این دریاچه نمک قم است که حال و روزش حسابی به هم ریخته و وضعش آن‌قدر بحرانی شده که باعث شده ساکنان ۱۱ روستای اطراف آن فرار را بر قرار ترجیح دهند، روستاهایشان را خالی کنند و جای جدید و کم دردسرتری برای زندگی پیدا کنند.

این خبر را دیروز «احمد شفیعی»، معاون فنی اداره کل حفاظت محیط‌زیست قم اعلام کرده؛ او از بحرانی شدن وضع دریاچه نمک قم خبر داده و گفته است که تاکنون ۱۱ روستای مجاور این دریاچه خالی از سکنه شده‌اند و اگر شرایط به همین وضع ادامه یابد، روستاهای باقیمانده نیز خالی از سکنه خواهند شد: «بحران دریاچه قم بیشتر از دریاچه ارومیه است. کاهش جریان آب و خشکسالی باعث شده که آب‌های فراشور در سفره‌های زیرزمینی به سمت دشت‌ها حرکت کند و پوشش گیاهی و حاصلخیزی خاک منطقه کاملا نابود شود.» به گفته معاون فنی اداره کل حفاظت محیط‌زیست قم: «در حال حاضر تا شعاع ۵۰ کیلومتری دریاچه نه‌تنها هیچ روستایی باقی نمانده، بلکه پوشش گیاهی آن هم از بین رفته و تبدیل به عرصه‌ای کاملا بیابانی شده که آماده فرسایش و تبدیل شدن به کانون‌های ریزگرد است.»

به گزارش «ایرنا» شفیعی افزایش ریزگردها را یکی از نتایج بحران زیست‌محیطی دریاچه نمک قم دانسته است: «چهار حوزه ریزگرد به مساحت ۴۰هزار هکتار در دریاچه نمک شکل گرفته و درحال رشد است. آخرین رمق‌های دریاچه به خاطر سفره‌های آبی باقی مانده است که اگر پایین رود، در آینده شاهد بروز پدیده ریزگردهای نمکی خواهیم بود.» از طرف دیگر دیروز «رحمان دانیالی»، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست قم هم گفته است که بحران دریاچه نمک تهدیدی جدی برای هسته مرکزی کشور است: «۷استان که ۲۶درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند در حوزه آبخیز دریاچه نمک قرار گرفته‌اند و استان قم دارای بیشترین تأثیرپذیری در مواجهه با این حوزه آبخیز است. متأسفانه استان قم در پایین‌دست رودخانه‌های دریاچه نمک قرار گرفته و حداقل حقابه‌ها به این رودخانه‌ها اختصاص نیافته و دریاچه نمک با خشکسالی شدید و شوری فزاینده آب مواجه شده است.» او گفته است بحران این دریاچه بسیار فراتر از دریاچه ارومیه است: «در صورت مدیریت نکردن، مشکلات زیست‌محیطی دریاچه نمک از جمله شوری آب و ریزگردها به‌زودی گریبانگیر استان‌های همجوار قم نیز خواهد شد. تأمین حقابه‌های زیست‌محیطی تالاب‌ها، رودخانه‌ها و احیای اراضی نابود شده مهم‌ترین اقدامی است که می‌تواند در بلندمدت تا حدی مشکلات موجود دریاچه نمک را مرتفع و از پیشروی این معضلات جلوگیری کند.» دانیالی خواستار مشارکت مسئولان ملی و تخصیص اعتبارات هم در این زمینه شده است: «ایجاد کمربند سبز پیرامون شهر و گسترش فضای سبز شهری باید در اولویت قرار گیرد.»

این نخستین‌بار نیست که مسئولان درباره وضع بحرانی دریاچه نمک قم هشدار می‌دهند. همین فروردین گذشته بود که معاون فنی و عمران شهردار تهران در جلسه شورای شهر گفت که دریاچه نمک حوض سلطان تا ۳۰سال دیگر به بحران زیست‌محیطی تهران تبدیل می‌شود و از متخصصان زیست‌محیطی گله کرد که تاکنون هیچ‌یک به اهمیت این موضوع اشاره‌ای نکرده‌اند. بعد از آن هم باز این احمد شفیعی، معاون فنی اداره کل محیط‌زیست استان قم بود که تهران بزرگ را استانی دانست که دریاچه نمک و بحران آن بر سلامت پایتخت‌نشینان و بر محیط‌زیست آن تأثیرگذاری خوبی را به همراه ندارد: «بحران دریاچه نمک از ۵۰سال قبل آغاز شده که روند کندی را دنبال می‌کرده است اما از سال ۱۳۸۲ و با آغاز سال‌های خشکسالی این بحران به‌صورت نمایی رشد کرده به‌گونه‌ای که طی ۱۰سال اخیر بحران این دریاچه رشدی ۴۰ ساله را داشته است.»

دریاچه نمک قم یا دریاچه نمک مسیله بین استان‌های اصفهان، قم و سمنان و در فاصله کمی از شهرستان آران و بیدگل واقع است و در بین کوه‌های سفیدآب و سیاه‌کوه و پارک ملی کویر در غرب، کویر مسیله در شمال و غرب کویر مرنجاب و بند ریگ در جنوب محصور شده است. این دریاچه وسعتی نزدیک به ۶۴۷ کیلومتر مربع دارد و تغییرات زیست‌محیطی آن، علاوه بر استان‌های مجاور، استان‌های مرکزی ازجمله تهران، مرکزی، یزد و کرمان را هم تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. خشکسالی‌های پی در پی، وجود سد در بالادست این حوزه آبخیز، جمع‌آوری بی‌رویه حقاب دریاچه نمک در بالادست، توسعه شهرنشینی، استفاده بیش از حد از آب‌های زیرزمینی، نبود برنامه‌های مناسب مدیریت آب و مصرف فراوان این مایه حیات موجب شده تا آنچه که درحال حاضر این دریاچه با آن مواجه باشد، خشکی باشد که موجب شور شدن خاک و از بین رفتن پوشش گیاهی این منطقه شده و وضع این منطقه را در حالت فراتر از بحران قرار دهد.

تجدید

بازگشت قرآن‌های خطی از مونیخ به ایران

ایسنا| دو نسخه خطی قدیمی قرآن کریم که درجریان یک پرونده قضائی در مونیخ کشف شده بود، به سرکنسول جمهوری اسلامی ایران در مونیخ تحویل داده شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، یک مجموعه‌دار ایرانی که ازسال ۱۹۶۲ در مونیخ زندگی می‌کرد، مجموعه گرانبهایی از نسخه‌های خطی و دست‌نوشته‌های ایرانی و اسلامی را گردآوری کرده بود و گهگاه اثری را درحراجی به فروش می‌گذاشت و با درآمد آن زندگی می‌کرد.

هنگامی که این مجموعه‌دار درسال ۲۰۰۷ در سن ۸۶سالگی درگذشت، فرزندان او پی بردند که برخی از آثار، از مجموعه گرانبهای او ناپدید شده است. آنها نخست به یک کارآگاه خصوصی مراجعه کردند که در ادامه تحقیقات خود موضوع را به اداره جنایی ایالت بایرن ارجاع داد. کارشناسان اداره جنایی بایرن پس از چند سال تحقیق در داخل و خارج آلمان، به یک مهندس ایرانی- آلمانی شک کردند که در سال‌های آخر زندگی این مجموعه‌دار، به خانه او رفت‌وآمد داشت و به کارهای او رسیدگی می‌کرد.

مأموران اداره جنایی در دسامبر ۲۰۱۱ در جست‌وجوی خانه مهندس مزبور، تعداد ۱۷۴ اثر قیمتی پیدا کردند که قیمت آنها بیش از ۳میلیون یورو ارزیابی شده است.

متهم در دادگاهی که در مارس ۲۰۱۶ در دادسرای جنایی مونیخ برگزار شد، به دزدیدن آثار عتیقه اعتراف کرد و ازسوی دادگاه به حبس تعلیقی محکوم شد.

با این حال به گفته ورثه از این مجموعه نسخه گرانبهایی از دیوان حافظ ۵۵۰ساله همچنان مفقود است. پلیس ایالت بایرن در فراخوانی رسمی از همگان برای یافتن این نسخه نادر یاری خواسته است. گفته می‌شود که این نسخه مزین به زرنگاری (تذهیب) است و بیش از یک‌میلیون یورو ارزش دارد. از این مجموعه گرانبها دو نسخه ارزشمند را فرزندان این مجموعه‌دار فقید، به پاس خدمات ایالت بایرن در بازیافتن آن، به کتابخانه دولتی این ایالت هدیه کردند، اما دو نسخه خطی قرآن کریم بنابر وصیت آن مرحوم، در مراسمی با حضور مسئولان پلیس جنایی مونیخ، رئیس کتابخانه دولتی ایالت بایرن و عبدالله نکونام سرکنسول جمهوری اسلامی ایران، به سفارت ایران تحویل داده شد.

نکونام در زمان تحویل این نسخه‌ها، با تشکر از همکاری پلیس جنایی مونیخ و دستگاه قضائی ایالت بایرن و با توجه به وجود وسایل کشف‌شده دیگر درجریان این پرونده با بیان اهمیت حفظ و نگهداری میراث فرهنگی متعلق به مردم ایران گفت: «دولت جمهوری اسلامی ایران براساس قوانین و مقررات داخلی خود و طبق مفاد کنوانسیون منع صدور و ورود و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی ۱۹۷۰، حق خود را برای پیگیری قانونی جهت بازگشت اموال فرهنگی به ایران پس از مشورت‌ها و بررسی‌های لازم با بخش‌های ذیربط در حوزه میراث فرهنگی ایران، محفوظ می‌داند.»

شهری

نگاهی به برگزاری نخستین اجلاس بین‌المللی شوراها و شهرداران ۲۰۱۶

اجلاسی پر از غایبان بزرگ

بی‌برنامگی در سخنرانی‌ها و پنل‌ها از حاشیه‌های اجلاس بین‌المللی شوراها بود

شهروند| سی‌ام تیرماه که نخستین اجلاس بین‌المللی شوراها و شهرداران ۲۰۱۶ در سالن همایش‌های برج میلاد برپا شد، خیلی‌ها را ناراحت و خیلی‌ها را هم ناامید کرد. آنهایی که قرار بود در این اجلاس شرکت کنند و حضورشان هم با توجه به اهداف اجلاس که «آگاهی از آخرین دستاوردهای علمی و تخصصی جهان درعرصه مدیریت شهری بود»، لازم بود، دعوت نشده بودند، مثل اعضای شورای شهر تهران. گفته می‌شود از میان ۳۱ عضو شورای شهر، تنها چند نفر در این اجلاس حضور داشتند و سایر اعضا، بعد از برگزاری، در جریان آن قرار گرفتند. همین هم منجر به دلخوری اعضای شورای شهر شد. همه اینها درحالی بود که پیش از این رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر تهران، گفته بود که این اجلاس با حضور نزدیک به هزار و ۸۰۰ نفر از اعضای شوراها و شهرداران سراسر جهان برگزار می‌شود، اما خبری از اعضای شورای شهر پایتخت نبود.

محمدحقانی، عضو شورای شهر تهران، یکی از معترضان به این ماجرا است. او به «شهروند» می‌گوید: «ما اطلاعی از برگزاری این اجلاس نداشتیم، این درحالی است که عنوان اجلاس به شوراها مربوط می‌شود و در آن برجایگاه شوراها تأکید شده بود، درحالی که هیچ یک از اعضای شورای شهر تهران در آن شرکت نکرده بودند.» او این گلایه را به رئیس شورای شهر تهران هم منتقل کرده: «من این موضوع را به آقای چمران منتقل کردم، او اما گفت که زمان اجرای این اجلاس به روسای کمیسیون‌ها اطلاع داده شده بود، اما متأسفانه آنها به ما اطلاعی ندادند.» با همه اینها این عضو شورای شهر تهران معتقد است که دعوت نکردن اعضای شورا، به‌دلیل یک نوع ناهماهنگی بوده و به‌نظر نمی‌رسد که با قصد قبلی این اتفاق افتاده باشد: «آن‌طور که ما بررسی کردیم، افرادی که برگزاری این اجلاس را به عهده گرفته بودند، قرار بود یک‌سری اقداماتی انجام دهند که متأسفانه به وظایفشان عمل نکردند، به همین خاطر در این اجلاس یک نفر از اعضای شورای شهر حضور نداشتند: «شورای شهر تهران در مدیریت شهری خیلی قوی است و تجربه‌های زیادی دارد، به همین خاطر خیلی لازم بود تا اعضای شورای شهر در کنار شهرداران و اعضای شورای شهرهای دیگر در کارگروه‌های تخصصی حضور داشته باشند تا از تجربه مدیریت شهری در شهرهای دیگر هم مطلع می‌شدند، به هرحال اعضای شورای شهر تهران، از جزییات مشکلات مناطق مختلف شهری اطلاع دارند.»

به گفته او، شهردار تهران هم در این اجلاس میهمان بوده و همراه با چمران، رئیس شورای شهر تهران، در این اجلاس شرکت کرده بودند: «این ناهماهنگی اتفاق خوبی نبود، قطعا این موضوع در جلسه امروز شورای شهر تهران مطرح می‌شود.» برگزاری این اجلاس ازسوی شهرداری تهران، یکی از حاشیه‌هایی بود که مطرح شد، این درحالی بود که روابط عمومی شهرداری تهران هم پیش از این اعلام کرده بود که شهرداری تهران مسئولیتی در برگزاری این اجلاس نداشت و صرفا از شهردار تهران به‌عنوان سخنران دعوت شد. این اجلاس را شورایعالی استان‌ها برگزار کرده بود.

انتقاد دیگری که به برگزاری این اجلاس شد، سطح سخنرانی‌ها و نشست‌های تخصصی بود. همزمانی نشست‌ها و تناسب نداشتن سخنران و موضوع نشست، ایراد دیگری به این اجلاس وارد کرد. درکنار همه اینها هم خیلی از نشست‌ها، همزمان با هم برگزار شد و خبرنگاران امکان حضور درهمه کارگروه‌ها را نداشتند و به دلیل فعال نبودن ستاد خبری، بسیاری از متن‌ها به دست نشست‌ها نرسید. موضوع دیگر هم کیفیت پایین سخنرانی‌ها، ارایه‌نشدن اطلاعات و آمارهای جدید بود که گلایه خبرنگاران را به همراه داشت.

حقانی، عضو شورای شهر هم که خبرهای این اجلاس را رصد کرده بود، به اهداف برگزاری این اجلاس اشاره می‌کند: «صحبت‌های زیادی در این اجلاس شده، اما این که تا چه میزان این صحبت‌ها، عملی می‌شود و خروجی این اجلاس چه چیزی است، نیاز به زمان دارد، ما توقعی که به‌عنوان اعضای شورای شهر تهران داریم، این است که در تهران یک مدیریت واحد شهری ایجاد شود، یکپارچگی مدیریت شهری یکی از درخواست‌های ما است، چراکه نبود چنین موضوعی، مشکلات زیادی برای ما ایجاد کرده، یکی از آنها هم مسأله حریم شهر تهران است.» او می‌گوید: «از نظر ما آن چیزی که به‌عنوان اهداف این اجلاس مطرح شد، با آن چیزی که در سخنرانی‌ها عنوان شد، فاصله دارد.»

ماجرای حضورنداشتن اعضای شورای شهر تهران در این اجلاس تنها بخشی از انتقادهای برگزاری آن است. خبرنگارانی که صبح چهارشنبه سی‌ام تیرماه به یکی از سالن‌های همایش برج میلاد رفتند، هم از نبود جایگاهی ویژه خبرنگاران گلایه داشتند. درکنار این موضوع، غیبت سخنران‌ها، حکایت از بی‌برنامگی در اجرای اجلاس داشت. به‌طوری که، معصومه ابتکار، رئیس سازمان حفاظت از محیط‌زیست و سلطانی‌فر، رئیس سازمان میراث فرهنگی که اسم‌شان در لیست دعوت‌شدگان بود، به اجلاس نیامدند.

ایراد دیگر این اجلاس، تأکید بر جهانی و بین‌المللی بودن آن بود. با این که در تمام تبلیغات عنوان شده بود اجلاس بین‌المللی است، اما خارجی‌ها از بولیوی، گینه، سیرالئون و... دعوت شده بودند، بیشتر هم کاردار یا مسئولان شهری بودند و از میانشان تعدادی شهردار شهرهای خارجی دیده می‌شد، اما خبری از شهردار شهرهای اروپایی نبود. همه اینها درحالی بود که از بیش از یک‌ماه پیش، دبیرخانه اجلاس جهانی شوراها و شهرداران، کارهای رسانه‌ای‌اش را آغاز کرده بود.

خبر

سال آینده و به‌عنوان نخستین شهر تاریخی در فهرست یونسکو

یزد ثبت جهانی می‌شود

شهروند| به‌دنبال جهانی شدن کویر لوت و ۱۱ قنات ایرانی، بنا شده سال آینده شهر یزد که ۴ اثر جهانی در خود دارد، به‌عنوان نخستین شهر تاریخی در فهرست میراث یونسکو ثبت شود.

محمدحسن طالبیان، معاون میراث فرهنگی کشور در نشست خبری ثبت جهانی ۱۱ قنات ایرانی و بیابان لوت گفت: «تدوین پرونده قنات‌های ایران از هفت‌سال پیش شروع شد و فرآیند پیچیده‌ای داشت. انتخاب برترین قنات‌ها از بین ۳۷هزار قنات زنده کار آسانی نیست. نقشه‌برداری و تهیه مستندات آنها کار بسیار سختی است. ما این کار را با همکاری مرکز بین‌المللی قنات‌ها و سازه‌های یونسکو انجام دادیم و در جریان کار تعدادی از آنها لایروبی شد.»

معاون میراث فرهنگی کشور در این نشست همچنین درباره رأی دادگاه شیکاگو، سرانجام عمارت مسعودیه، پرونده‌های ثبت جهانی سال آینده و حریم حفاظتی بیابان لوت و قنات‌های ایرانی توضیحاتی ارایه کرد.

او درباره برنامه‌هایی که از این به بعد برای ۱۱ قنات ایرانی و بیابان لوت دارند، ادامه داد: «پس از ثبت جهانی این دو اثر، برنامه‌هایی برای حفاظت از آنها داریم. دو برنامه مدیریتی نوشته شده که در حوزه بیابان لوت وظایف دستگاه‌های محیط زیست، میراث فرهنگی و جهاد کشاورزی در آن بیان شده است. برنامه‌ای از جمله ایجاد یک پایگاه دایمی با هدف حفاظت و توانمندسازی جوامع نیز ایجاد و حریم‌های حفاظتی آنها نیز ابلاغ شده است؛ به‌عنوان مثال حریم بیابان لوت ۱۷هزار کیلومتر مربع است، اما حریم قنات‌ها متفاوت است. هر قنات عرصه و حریمی دارد. برخی از این عرصه، زمین‌های کشاورزی سازه و بسترهای آبی است. با نهادهایی از جمله جهاد کشاورزی همکاری در زمینه لایروبی قنات‌ها داشته‌ایم و البته برنامه مدیریتی هر اثر توسط دستگاه‌های مرتبط امضا شده است.»

طالبیان با بیان این که براساس یک برنامه مشترک از ۷سال پیش مرمت قنات‌ها را آغاز کرده‌ایم اما تاکنون اطلاع‌رسانی نشده، درباره آثاری که قرار است از این به بعد در فهرست میراث جهانی قرار گیرد، گفت: «سال آینده شهر تاریخی یزد به‌عنوان نخستین شهر تاریخی ثبت خواهد شد. ارزیابان یونسکو در شهریورماه برای بازدید به ایران می‌آیند. تلاش می‌کنیم که جنگل هیرکانی را با مشارکت جمهوری آذربایجان به ثبت جهانی برسانیم. بخشی از مطالعات پرونده راه ابریشم نیز انجام شده ولی چون سهمیه ندارد، می‌تواند به پرونده جهانی راه ابریشم بپیوندد.» طالبیان در ادامه پیرامون رأی یکی از دادگاه‌های شیکاگو درباره الواح هخامنشی نیز گفت: «این موضوع هنوز از طریق مراجع رسمی در ایران به ما ابلاغ نشده است. دوشنبه این هفته جزییات آن مشخص خواهد شد. از اول فروردین ۹۲ تا ۲۵ شهریورماه همان سال حتی یک اثر ثبت نشده بود. ولی از سال ۹۳ تا الان، یک‌هزار اثر تاریخی در فهرست منقول، ناملموس و طبیعی ثبت شده است. حتی برای نخستین‌بار فهرست آثار منقول ایجاد شد.»

جدول شماره ۹۰۲

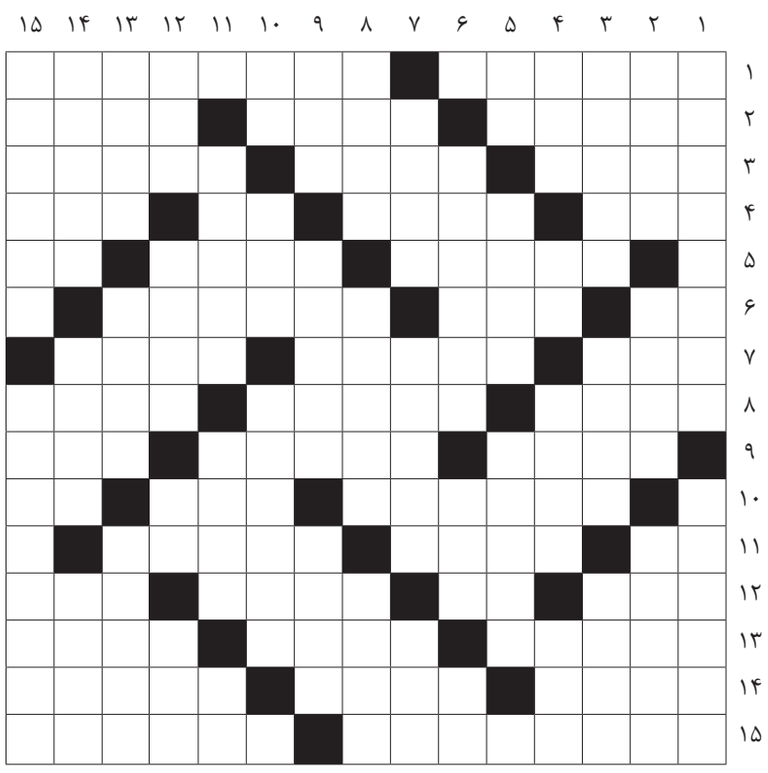

افقی

۱- در قدیم به خدمت سربازی می‌گفتند- نام قدیم گیلان
۲- تاج و افسر- بیماری حیوانات گوشتخوار- از نام‌های باری تعالی
۳- نوعی اسباب‌بازی- شهری در آذربایجان شرقی- مرده‌ریگ
۴- خواری و توهین- باقی‌مانده حساب- بدی- فرزند
۵- آرزوهای نفسانی- مظهر- حرف انتخاب
۶- تاج میان تهی- مار خطرناک- پایمال شده
۷- آب دهان کودک- دانه سحرآمیز- هم‌بهره
۸- کبوتر صحرایی- رفتن به مکان مقدس- قسمت حساس رایانه
۹- همه؛ جملگی- از اسامی دختران- ساز تیره
۱۰- پرستش و بندگی- کلس- چه‌وقت
۱۱- تخم‌مرغ فرنگی- نمایشنامه غم‌انگیز- آلیاژی سخت مرکب از آهن و کربن
۱۲- واحدی برای نان- دست- رنگی از خانواده سفید- کشور صنعا
۱۳- مجری عدالت- ۱۰ نخ سیگار- سازمان پیمان مرکزی که در دوران جنگ سرد و با هدف مبارزه با شوروی و نفوذ مارکسیسم تشکیل شد
۱۴- آرام- مهاجم کلمبیایی رئال مادرید- جمع دایره
۱۵- نسبت دادن نوشته‌های دیگران به خود- تظاهر کردن

عمودی

۱- شنوایی‌سنجی- نوعی چین‌خوردگی زمین
۲- سیماب- مسجد بزرگ شهر- کلیشه چاپ
۳- بهترین وضع ممکن- درخشان- مهریه
۴- حوا در لفظ انگلیسی زبان- شبکه و سایت- روحانی زرتشتی- شهرباران
۵- حافظه کوتاه‌مدت رایانه- نشانه سوختگی- تبعیدگاه رضاخان
۶- آن که از حدود و مرز خود پا را فراتر می‌گذارد- هنرپیشه فیلم بازمانده- رخسار
۷- ستاره مشتری- وسیله‌ای برای انتقال صدا- واحد مغازه
۸- هسته میوه- فرومایگی- کتلت
۹- نام پدر ادریس نبی- قسمتی از شکمبه گوسفند- بدون تغییر
۱۰- شلوار جین- نوعی رانداز- تخته‌های زیر ریل قطار
۱۱- کشور مغرب- نویسنده شمع و پروانه- مادر لر
۱۲- آب‌دهنده- عهد و زمان- ویتامین جدولی- سمت و جانب
۱۳- از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد- نان از شب مانده- دستگاهی که قوه مکانیکی را به الکتریسیته تبدیل می‌کند
۱۴- فرودگاه معروف فرانسه- از مواد افیونی خطرناک- مدافع بارسا
۱۵- مظهر قدرشناسی- ملاح و ملوان
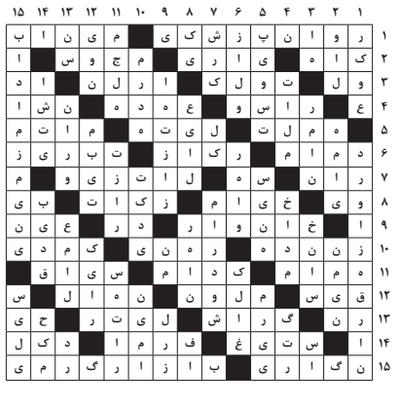
حل جدول شماره ۹۰۱